

مطالعه تطبیقی موازین محاکمه عادلانه در اسناد بین المللی و نظام

حقوقی افغانستان

نویسنده : ذکرا الله اوریاخیل

فارغ التحصیل رشته حقوق و علوم سیاسی

نشانی برقی: zekrullahmohammad001@gmail.com

چکیده

موازین محاکمه عادلانه یکی از اصول اساسی در تأمین عدالت، حاکمیت قانون و حمایت از حقوق بشر به شمار می رود که هم در فقه اسلامی و هم در قوانین افغانستان جایگاه برجسته ای دارد. این تحقیق با هدف شناخت موازین محاکمه عادلانه در فقه و قانون، بررسی سطح تطبیق آن در محاکم افغانستان، تبیین شباهت ها و تفاوت های میان این دو نظام حقوقی، و نیز فهم ماهیت الزامی یا اختیاری بودن این موازین انجام شده است. این تحقیق با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و با مراجعه به کتب، مقالات و مجلات معتبر صورت گرفته است. یافته ها و نتایج تحقیق نشان می دهد که فقه اسلامی با تأکید بر استقلال و بی طرفی قاضی، شفافیت، حق دفاع متهم و تسویه بین الخصمین، چارچوب جامعی برای برگزاری محاکم عادلانه و ارتقای عدالت اجتماعی فراهم کرده است. اگرچه قوانین افغانستان نیز با الهام از شریعت اسلامی و اسناد بین المللی، اصولی چون حق داشتن وکیل و اصل براءت را پیش بینی کرده اند، اما در عمل چالش هایی در تطبیق کامل آن ها وجود دارد. در نهایت، این تحقیق مؤید آن است که بهره گیری عملی از ظرفیت های فقه اسلامی و انطباق آن با نیازهای معاصر، منبعی ارزشمند برای بهبود نظام قضایی، کاهش تبعیض و افزایش اعتماد عمومی به دستگاه عدلی به شمار می رود.

اصطلاحات کلیدی: اجتهاد، اصول، عادلانه، فقه، قضات، محکمه.

A Comparative Examination of Fair Trial Principles in International Human Rights Instruments and Afghanistan's Legal Framework

Author: Zekrullah Oria Khail

Graduate of Law and Political Science

Email: zekrullahmohammad001@gmail.com

Abstract

Fair trial standards are considered one of the fundamental principles for ensuring justice, upholding the rule of law, and protecting human rights. These standards occupy a prominent position in both Islamic jurisprudence and the legal system of Afghanistan. This study was conducted with the objectives of identifying the standards of a fair trial in Islamic jurisprudence and statutory law, examining the extent of their implementation in Afghan courts, clarifying the similarities and differences between these two legal systems, and understanding whether these standards are mandatory or discretionary in nature. The research employed a descriptive-analytical methodology and relied on a review of authoritative books, scholarly articles, and academic journals. The findings indicate that Islamic jurisprudence, through its emphasis on judicial independence and impartiality, transparency, the defendant's right to defense, and equality between litigating parties, provides a comprehensive framework for conducting fair trials and promoting social justice. Although Afghan laws, inspired by Islamic Sharia and international legal instruments, have incorporated principles such as the right to legal counsel and the presumption of innocence, practical challenges remain in achieving their full implementation. The study concludes that the effective utilization of the principles and capacities of Islamic jurisprudence, together with their adaptation to contemporary needs, can serve as a valuable source for improving the judicial system, reducing discrimination, and enhancing public confidence in judicial and legal institutions.

Keywords: Ijtihad, Principles, Fairness, Islamic Jurisprudence, Judges, Court.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱. مقدمه

الحمد لله رب العالمین والعاقبة للمتقین، والصلاة والسلام علی أشرف الأنبیاء والمرسلین محمد و علی آلہ و أصحابه أجمعین.

عدالت قضایی و برگزاری محاکمه عادلانه از ارکان اصلی هر نظام حقوقی و قضایی به شمار می‌رود که تضمین‌کننده حقوق و آزادی‌های اساسی افراد است. در جوامع اسلامی از جمله افغانستان، اصول عدالت قضایی ریشه در تعالیم فقه اسلامی دارد و در قوانین ملی نیز بازتاب یافته است. فقه اسلامی با تأکید بر عدالت، شفافیت، بی‌طرفی و حق دفاع، چارچوب‌هایی را برای قضاوت عادلانه ارائه کرده است. در همین حال، قانون اساسی افغانستان و قوانین جزایی، با الهام از این اصول و معیارهای بین‌المللی، تلاش کرده‌اند زمینه‌ای برای تأمین عدالت فراهم آورند.

با وجود این چارچوب‌های قانونی و شرعی، نظام قضایی افغانستان در عمل با چالش‌های متعددی مواجه است. ضعف زیرساخت‌های قضایی، فساد اداری، مداخلات سیاسی و نبود شفافیت، اجرای موازین محاکمه عادلانه را به شدت تحت تأثیر قرار داده است. این مسائل نه تنها عدالت را به خطر انداخته، بلکه اعتماد عمومی به نظام قضایی را نیز کاهش داده است.

این تحقیق با هدف بررسی اصول محاکمه عادلانه در فقه اسلامی و قوانین افغانستان، تلاش می‌کند تا ضمن شناسایی نقاط قوت و ضعف، موانع تطبیق این اصول را تحلیل کرده و راهکارهای عملی برای بهبود نظام قضایی ارائه دهد.

۱.۱. بیان مسئله

عدالت و برگزاری محاکمه عادلانه، یکی از اساسی‌ترین نیازهای جوامع بشری است که تضمین حقوق فردی و اجتماعی شهروندان را ممکن می‌سازد. در فقه اسلامی، اصول و قواعد محاکمه عادلانه با تأکید بر حق دفاع، شفافیت و عدم تبعیض تبیین شده و قوانین جزایی افغانستان نیز با الهام از این اصول شرعی، چارچوب‌های مشخصی را برای تحقق آن ترسیم کرده‌اند. با این حال، مسئله‌ی اساسی در تحقیقات حقوقی، تبیین دقیق ماهیت، وجوب شرعی و ابعاد موازینی چون متخصص بودن قضات، تسویه بین الخصمین، تحریری بودن مراحل، مساوات در پیشگاه قانون، و تضمین حقوق متخاصمین مانند حق داشتن وکیل مدافع و ترجمان در جریان محاکمه است. از آن‌جا که

در متون حقوقی و فقهی، تفاوت ها، شباهت ها و دیدگاه های متعددی پیرامون الزامی یا اختیاری بودن برخی از این موازین وجود دارد، این تحقیق در صدد است تا با بررسی نظری و مقایسه ای این اصول در فقه و قوانین ملی، یک چارچوب روشن و جامع علمی از موازین محاکمه عادلانه ارائه دهد.

۱.۱.۲ اهداف تحقیق: اهداف تحقیق را به دو بخش تقسیم میکنیم که عبارت است از هدف اصلی و اهداف فرعی.

۱.۲.۱ هدف اصلی

بررسی ماهیت و تبیین جامع شاخص های محاکمه عادلانه در فقه اسلامی و قوانین موضوعه.

۱.۲.۲ اهداف فرعی

۱. شناسایی و ارزیابی مقایسه ای وجوه اشتراک و افتراق موازین محاکمه عادلانه در فقه اسلامی، قوانین مدون افغانستان و اصول بین المللی.

۲. تحلیل جایگاه و وصف تکلیفی (الزامی) یا تخییری (اختیاری) بودن موازین محاکمه عادلانه در منشأ تشریع و تقنین.

۱.۳ سوالات تحقیق: سوالات تحقیق را به دو بخش تقسیم میکنیم که عبارت است از سؤال اصلی و سؤالات فرعی.

۱.۳.۱ سؤال اصلی

اصول، قواعد و مؤلفه های رکن محاکمه عادلانه در فقه اسلامی و قوانین نافذه افغانستان کدام ها اند؟

۱.۳.۲ سوالات فرعی

۱. موازین محاکمه عادلانه در دو حوزه فقه و قانون، واجد چه همسویی ها و تمایزات ساختاری یا محتوایی می باشند؟

۲. تطبیق معیارهای محاکمه عادلانه در نظام حقوقی و شرعی کشور، واجد وصف تکلیفی (جبری) است یا تخییری (اختیاری)؟

۱.۴ فرضیه های تحقیق: فرضیه های تحقیق به گونه ذیل به دو بخش تقسیم شده اند:

۱.۴.۱ فرضیه اصلی

چنین به نظر می‌رسد که استقلال قضاء، قانونی بودن محکمه، تخصص قضات، علنی بودن دادرسی، تسویه بین الخصمین و تضمین حقوق دفاعی متخاصمین، از موازین محاکمه عادلانه در فقه و قانون به شمار می‌روند.

۱.۴.۲. فرضیه های فرعی

۱. با توجه به جایگاه شریعت اسلامی به عنوان منبع بنیادین تقنین در افغانستان، متصور است که میان خطوط کلی موازین محاکمه عادلانه در فقه و قوانین ملی، همسویی کامل برقرار بوده و تفاوت ماهوی وجود نداشته باشد.

۲. مفروض است که رعایت و اجرای موازین محاکمه عادلانه در فقه و قوانین نافذه، واجد صبغه تکلیفی و امر جبری بوده و برای دستگاه قضایی کاملاً الزام آور است.

۱.۵. اهمیت این تحقیق

این تحقیق به دلایل زیر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است:

۱. تأمین عدالت قضایی: عدالت قضایی یکی از بنیادی‌ترین نیازهای هر جامعه است و برگزاری محاکم عادلانه نقش کلیدی در تضمین حقوق شهروندان و برقراری نظم اجتماعی دارد. این تحقیق می‌تواند به شناسایی موانع و ارائه راه‌حل‌هایی برای بهبود عدالت در نظام قضایی افغانستان کمک کند.

۲. اتصال میان فقه و قانون: با توجه به اینکه نظام حقوقی افغانستان بر اساس اصول اسلامی و قوانین معاصر استوار است، این تحقیق می‌تواند به درک بهتر هماهنگی و همپوشانی میان موازین فقه اسلامی و قوانین ملی کمک کند و زمینه‌ای برای تقویت نظام قضایی فراهم آورد.

۳. اهمیت علمی و عملی: این تحقیق نه تنها از نظر علمی برای محققین، حقوقدانان و دانشجویان مفید است، بلکه از نظر عملی نیز می‌تواند برای سیاست‌گذاران و مسئولین قضایی در اصلاح نظام قضایی افغانستان مورد استفاده قرار گیرد.

۱.۶. روش تحقیق: روش مورد استفاده در این تحقیق، کتابخانه‌ای با رویکرد آن «توصیفی - تحلیلی و تطبیقی» است. برای گردآوری داده‌ها، به کتاب‌های فقهی، قوانین مدون و مقالات علمی مراجعه

گردیده و سپس اطلاعات جمع آوری شده مورد تحلیل کیفی قرار گرفته است، تا تفاوت‌ها، شباهت‌ها و مبانی نظری موازین محاکمه عادلانه در فقه اسلامی و قوانین ملی به گونه‌ای منظم، دقیق و علمی تبیین گردند.

۲. تعاریف و مفاهیم

۲.۱. مفهوم قضا

قضا در لغت به معنای حکم است. و در اصطلاح عبارت از حکم کلی الهی بر اعیان موجودات، بر اساس همان احوالی که دارند، از ازل تا ابد. در اصطلاح فقها: تسلیم و واگذاری است؛ مانند واجبی که به سبب، لازم می‌گردد (علی بن محمد، ص ۲۲۵).

و به عبارت دیگر عبارت از مرجع فصل خصومات و قطع منازعات میان متخاصمین مطابق احکام شریعت اسلامی می‌باشد (استادان دیپارتمنت ثقافت اسلامی پوهنتون کابل، ۱۴۰۲، ص ۱۸۱).

۲.۲. مفهوم محاکمه عادلانه

در موضوع محاکمه عادلانه می‌توانیم از دو نوع تعاریف استفاده کنیم؛ تعریف ترکیبی و تعریف توصیفی که در نخست از تعریف ترکیبی و بعداً از تعریف توصیفی استفاده می‌کنیم.

۲.۲.۱. تعریف ترکیبی

محاکمه عادلانه یک نام ترکیبی است، که از دو کلمه تشکیل شده است که محکمه و عادلانه است؛ در نخست محکمه و بعداً عادلانه را تعریف می‌کنیم.

- محکمه: محکمه محلی است که در آن میان طرف‌های دعوا رسیده گی قضایی انجام می‌شود (السید غانم، ۲۰۱۷، ص ۵۱).

- عادلانه: که از عدالت گرفته شده است، العدل در اصل مصدر است و عدل عبارت است از حکم کردن بر اساس حق (الأفریقی، ۱۱۱۹، ج ۴ ص ۲۸۳۸).

۲.۲.۲. تعریف توصیفی

محاکمه عادلانه محاکمه ای است که به طور عادلانه، منصفانه و با نظم رویه ای توسط یک قاضی بی طرف انجام شود¹ (Merriam Webster)

محاکمه عادلانه در قوانین مختلف جهانی و بین کشورها پیش بینی شده؛ و یکی از حقوق بنیادین بشر خوانده شده است. چون اعلامیه جهانی حقوق بشر (اعلامیه جهانی حقوق بشر، ۱۹۴۸، ماده ۱۰)، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، ۱۹۶۶، ماده ۱۴) کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی های اساسی (کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی های اساسی، ۱۹۵۰، ماده ۶).

۳. حکم شرعی قضاء در اسلام

در شریعت اسلامی، تشکیل قوه قضائیه فرض است و فرضیت آن با قرآن کریم، احادیث نبوی و اجماع امت به اثبات رسیده است.

۱: الله ﷻ در قرآن کریم فرموده است: (وَأَن اَحْكُمُ بَيْنَهُم بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ) (المائدة: ۴۹)

ترجمه: و حکم کن میان آنان به آنچه خدا نازل کرده است.

۲: رسول الله ﷺ برای مناطق مختلف دولت اسلامی، قضات تعیین کرده بود که از جمله آنان، معاذ بن جبل رضی الله عنه را به عنوان قاضی به یمن فرستاده بود (أبو داود، ج ۲ ص ۱۰۵).

۳: امام ابن قدامه رحمه الله در کتاب خود تحت عنوان المغنی بر اساس دلایل شرعی فراوان چنین بیان کرده است: و أجمع المسلمون على مشروعية نصب القضاء والحكم بين الناس (ابن قدامة، ۱۴۲۵، ج ۱۳ ص ۴۱۷).

ترجمه: مسلمانان بر مشروعیت ایجاد نظام قضایی و داوری و فیصله کردن میان مردم اجماع کرده اند. در پرتو دلایل شرعی یادشده، امام کاسانی رحمه الله می فرماید: تعیین قاضی فرض است؛ زیرا قاضی برای ادای فرض دیگری تعیین می شود و آن قضاوت است، و از همین جهت تعیین قاضی فرض می باشد. امام ابن الهمام رحمه الله می گوید: مسلمانان بر این اجماع کرده اند که قضا فرض کفایی است. امام بابرته حنفی رحمه الله می فرماید: هیچ شکی در این نیست که بعد از ایمان، قضاوت از قوی ترین فرایض و شریف ترین عبادت هاست (فاطمی، ۱۴۰۲، ص ۱۵۱-۱۵۳).

۴. اهمیت محاکمه عادلانه

¹ (<https://www.merriam-webster.com/legal/fair%20trial> (lasviewed: 2026/01/06)).

محاکمه عادلانه نقش بنیادینی در حفظ عدالت، صیانت از حقوق افراد و تقویت، اعتماد عمومی به نظام قضایی و حکومتی دارد. اهمیت این نوع محکمه را میتوان از جنبه های مختلف بررسی کرد

۱- حفظ حقوق بشر: محاکمه عادلانه یکی از ارکان اساسی حقوق بشر است. این نوع محکمه از حقوق اولیه افراد مانند حق دفاع، محکمه منصفانه، و عدم تبعیض محافظت می کند.

۲- پیشگیری از بی عدالتی: محاکمه عادلانه با تضمین استقلال قضات و رعایت اصول قانونی، از سوء استفاده از قدرت و صدور احکام ناعادلانه جلوگیری می کند.

۳- تقویت حاکمیت قانون: محاکمه عادلانه نشان دهنده احترام به حاکمیت قانون است. در چنین نظامی، همه افراد و نهاد ها از جمله حکومت در برابر قانون پاسخگو است.

۴- ایجاد اعتماد عمومی: عملکرد عادلانه محکمه ها موجب اعتماد عمومی به نظام قضایی می شود و پایه های مشروعیت حکومت را تقویت می کند.

۵- تامین امنیت اجتماعی: با اطمینان اجرای عدالت جامعه از تضادها و بی نظمی های ناشی از بی عدالتی در امان می ماند؛ و این امر به صلح و ثبات اجتماعی کمک میکند.

۶- حمایت از حقوق متهم و قربانی: محاکمه عادلانه با رعایت توازن بین حقوق قربانی و متهم از اجرای عدالت به شکل انتقام جویانه یا ناعادلانه جلوگیری می کند.

۷- پیشگیری از تبعیض و تعصب: چنین محکمه تضمین میکند که هیچ فردی به دلیل نژاد، جنسیت و مذهب محکمه نشود.

۵. اهداف محکمه عادلانه

محاکمه عادلانه بر پایه اصول عدالت، انصاف و حفظ حقوق قانونی افراد استوار است. این اهداف تضمین می کنند که نظام قضایی به بهترین شکل عمل می کند و عدالت در جامعه برقرار شود. برخی از مهمترین اهداف محکمه عادلانه عبارتند از:

۱- برقراری عدالت: هدف اصلی محاکمه عادلانه اجرای عدالت و صدور احکام بر اساس شواهد و قوانین است. به گونه ای که حق به حق دار برسد.

۲- صیانت از حقوق قانونی افراد: محاکمه عادلانه از حقوق اساسی افراد، حق دفاع، حق دسترسی به وکیل و حق دادرسی علنی محافظت می کند.

۳- ایجاد امنیت حقوقی و اجتماعی: به اجرای عادلانه قوانین، محکمه عادلانه به ایجاد امنیت حقوقی و ثبات اجتماعی کمک میکند.

۴- پیشگیری از ظلم و تبعیض: محاکمه عادلانه مانع سوء استفاده از قدرت، اعمال تبعیض یا صدور احکام ناعادلانه می شود.

۵- حفظ بی طرفی استقلال قضایی: هدف محاکمه عادلانه این است که محکمه ها در برابر فشار های سیاسی، اجتماعی یا اقتصادی مستقل باقی بمانند.

۶- تقویت اعتماد عمومی به نظام قضایی: عملکرد منصفانه و شفاف محکمه ها باعث افزایش اعتماد عمومی به نظام قضایی حاکمیت قانون می شود.

۷- تامین فرصت برابر برای طرفین دعوی: محاکمه عادلانه تضمین میکند که همه طرفین دعوی فرصت برابر برای ارائه ادله و دفاع از خود داشته باشند.

۶. موازین محاکمه عادلانه در فقه و قانون

اسلام دینی کامل و جامع است که تمامی ابعاد زندگی بشر را در بر می گیرد. همان گونه که روشن است، از آغاز پیدایش بشریت، جرم و جنایت نیز وجود داشته و تا امروز ادامه یافته است؛ و به باور بسیاری، در آینده نیز همچنان وجود خواهد داشت. به همین دلیل، در طول تاریخ برای مجازات مجرمان، قوانین و مقررات گوناگونی وضع شده است که در این میان، قوانین جزایی اسلام از کامل ترین و جامع ترین نظام های حقوقی به شمار می روند.

برای رسیدگی به جرایم و محاکمه مجرمان، وجود مکان مشخصی به نام محکمه امری ضروری است. دین مبین اسلام برای محاکمه و قضاوت، موازین روشن و دقیقی را تعیین کرده است؛ موازینی که هم ناظر بر شرایط و مسئولیت های قضات و نظام قضایی است و هم حقوق و تکالیف طرفین دعوا را در بر می گیرد. با توجه به اهمیت و ضرورت وجود محاکمه عادلانه، موازین مشخصی در فقه، قوانین داخلی افغانستان و نیز در اسناد و قوانین بین المللی پیش بینی شده است. بر این اساس، بحث ما پیرامون موازین یک محاکمه عادلانه خواهد بود و آن را با احادیثی از رسول الله ﷺ آغاز می کنیم. و عن ابی بکره رض قال سمعت رسول الله ﷺ يقول: لا يحکم احد بین اثین وهو غضبان (ابن حجر، ص ۳۸۸). ترجمه: از ابوبکره رضی الله عنه روایت است که گفت: از رسول خدا ﷺ شنیدم که می فرمود: هیچ یک از شما نباید در حالی که خشمگین است، میان دو نفر داوری و حکم کند.

۶.۱. متخصص بودن قضات

۶.۱.۱. متخصص بودن قضات در شریعت اسلامی

در اسلام، قضاوت امانتی بزرگ است و تنها به کسانی سپرده می شود که دارای علم، فقاہت و توانایی تشخیص حق از باطل باشند؛ زیرا قاضی ناآگاه ممکن است ناخواسته به ظلم و تضییع حقوق مردم دچار شود. در احادیث، فقه اسلامی و کتب علمای بزرگ مسلمانان، همواره بر این موضوع تأکید شده است. در اینجا، برخی از احادیث، و اقوال فقها در این زمینه ذکر و مورد بررسی قرار می گیرد.

۱- ابْنُ بُرَیْدَةَ عَنْ أَبِيهِ، عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ " الْقُضَاةُ ثَلَاثَةٌ اثْنَانِ فِي النَّارِ وَوَاحِدٌ فِي الْجَنَّةِ رَجُلٌ عَلِمَ الْحَقَّ فَقَضَى بِهِ فَهُوَ فِي الْجَنَّةِ وَرَجُلٌ قَضَى لِلنَّاسِ عَلَى جَهْلٍ فَهُوَ فِي النَّارِ وَرَجُلٌ جَارَ فِي الْحُكْمِ فَهُوَ فِي النَّارِ " (ابن ماجه، ۲۰۱۴، ج ۱ ص ۴۵۷).

ترجمه: ابن بُرَیْدَةَ از پدرش روایت می کند که رسول الله ﷺ فرمودند: قاضیان سه دسته اند؛ دو دسته در آتش و یک دسته در بهشت. قاضی ای که حق را شناخت و بر اساس آن حکم کرد، در بهشت است؛ و قاضی ای که از روی نادانی میان مردم قضاوت نمود، در آتش است؛ و قاضی ای که در حکم خود ظلم و بی عدالتی کرد، او نیز در آتش است.

۲- قال ابو القاسم رحمه الله تعالى: (ولا يولى قاض حتى يكون بالغاً، عاقلاً، مسلماً، حراً، عدلاً، عالماً، فقيهاً و رعاً).

ترجمه: ابوالقاسم رحمه الله فرموده: "قاضی باید تا زمان تعیین نشود تا بالغ، عاقل، مسلمان، آزاد، عادل، عالم، فقیه و پرهیزگار نباشد.

قال الشيخ رحمه الله تعالى: ويشترط فى القاضى عشر صفات: ان يكون بالغاً، عاقلاً، حراً، ذكراً، مسلماً، عدلاً، سمياً، بصيراً، متكلماً، مجتهداً (ابن قدامه، ۱۴۲۵، ج ۱ ص ۴۲۹-۴۳۳).

ترجمه: شیخ رحمه الله تعالى می فرماید: برای قاضی ده شرط لازم است: بالغ، عاقل، آزاد، مرد، مسلمان، عادل، بصیر، سمیع، متکلم و مجتهد باشد.

اجتهاد: اجتهاد در کتاب های لغت از کلمه جهد گرفته شده و کلمه جهد به فتح "ج" معنای کوشش را افاده می کند و ضم "ج" به معنای رنج و مشقت است. و در اصطلاح عبارت است از مصرف قدرت مجتهد در تحصیل علم شرعی ظنی (شاداب، ۱۳۹۶، ص ۲۹۲).

در مورد مجتهد بودن قاضی علمای مذاهب اربعه چنین نظر دارند:

وَأما الاجتهاد: فهو شرط عند المالكية ولشافعية والحنابلة وبعض الحنفية كالقدوري، فلا يولي الجاهل بالأحكام الشرعية، ولا المقلد (وهو من حفظ مذهب امامه، لكنه غير عارف بغوامضه، و قاصر عن تقرير أدلته) لأنه لا يصلح للفتوى فلا يصلح للقضاء بالأولى.

ترجمه: اجتهاد به نزد مالکی ها، شافعی ها، حنبلی ها و بعضی از احناف مثلاً قدوری برای قضاوت شرط است. پس جاهل (کسی که به احکام شرعی نمی فهمد) و مقلد (کسی مذهب امام خود را حفظ کند، ولی در مسائل عمیق آن فهم ندارد و در تشریح دلایل آن عاجز باشد) برای قضاوت مناسب نیستند، بخاطری که او برای فتوا مناسب نیست، پس برای قضاء به طریقه اولاً مناسب نیست. **اهلیت اجتهاد:** تنویر بمعرفة ما يتعلق بالأحكام من القرآن و لسنة، و معرفة الاجماع والاختلاف و لقياس و لسان العرب، ولا يشترط يكون الفقيه محيطاً بكل القرآن و لسنة، ولا ان يحيط بجميع الأخبار الواردة، ولا أن يكون مجتهداً في كل المسائل، بل يكفي معرفة ما يتعلق بموضوع البحث.

توانایی اجتهاد: این است که شخص عالم بر مسائل باشد که از طرف قرآن و سنت همراهی احکام اتصال داشته باشد، عالم بر اجماع و اختلاف باشد، قیاس را بشناسد، و زبان عربی را یاد داشته باشد؛ ولی این شرط نیست که شخص فقیه بر تمام قرآن و سنت تسلط کامل داشته باشد و یا بر تمام روایات وارده عالم باشد، و نه اینکه در تمام مسائل مجتهد باشد. بلکه فقط در موضوع مورد بحث باید عالم باشد

وقال جمهور الحنفية: لا يشترط كون القاضى مجتهداً والصحيح أن أهلية الاجتهاد شرط الأولوية ولندب ولأستحباب فيجوز تقليد غير المجتهد للقضاء ويحكم بفتوى أى بتقليد مجتهد؛ لأن الغرض من القضاء هو فصل الخصايم و ايصال الحق الى مستحقه، و هو يتحقق بالتقليد لكن مع هذا قالوا: لا ينبغي أن يقلد الجاهل بالأحكام، أى الجاهل بأدلته الأحكام الشرعية تفصيلاً واستنباطاً؛ لأن الجاهل يفسد أكثر مما يصلح، بل يقضى بالباطل من حيث لا يشعر به (الزحيلي، ۱۴۲۵، ج ۸ ص ۵۹۳۷-۵۹۳۹).

جمهور علمای احناف میگویند که برای قاضی مجتهد بودن شرط نیست، و موضوع اساسی این است که توانایی اجتهاد برای اولویت، مستحب و برای بهتر بودن شرط است. پس برای شخص غیر مجتهد اجازه قضاوت است، و او میتواند با تقلید از یک مجتهد حکم کند؛ بخاطری که هدف قضاوت این است که فیصله بین دعاوی شود و حق به حق دار سپرده شود، و این هدف به تقلید هم به دست آمده میتواند، مگر علاوه بر این آنها گفته اند که به شخص جاهل که به دلایل تفصیلی

احکام و استنباط عالم نباشد قضاوت سپردن نیز مناسب نیست، بخاطری که جاهل زیاد فساد میکند بجای اینکه اصلاح بیاورد، و بنابر جهل بر باطل حکم میکند. در اینجا بخاطر روشن شدن بیشتر موضوع شرط مجتهد بودن برای قاضی در مذهب حنفی و اطمینان خاطر یک قول دیگر هم از علمای حنفی نقل میکنیم.

و اما العلم بالحلال والحرام و سائر الاحکام فهل هو شرط جواز التقليد؟ عندنا ليس بشرط الجواز بل شرط النذب والاستحباب. و عند اصحاب الحديث كونه عالماً بالحلال والحرام و سائر الاحکام مع بلوغ درجة الاجتهاد في ذلك شرط جواز التقليد. كما قالو في الامام الاعظم. و عندنا هذا ليس بشرط الجواز في الامام الأعظم لأنه يمكنه أن يقضى بكلام غيره بالرجوع الى فتوى غيره من العلماء. فكذا في القاضي. لكن مع هذا لا ينبغي أن يقلد الجاهل بالأحكام لأن الجاهل بنفسه ما يفسد أكثر مما يصلح بل يقضى بالباطل من حيث لا يشعر به (الكاساني، ج ۵ ص ۴۳۹).

ترجمه: اما علم به حلال و حرام و سایر احکام، آیا شرط جواز تقلید است؟ نزد ما شرط جواز نیست، بلکه شرط نذب و استحباب است. نزد اصحاب حدیث، عالم بودن به حلال و حرام و سایر احکام همراه با رسیدن به درجه اجتهاد در آن، شرط جواز تقلید است. همان گونه که درباره امام اعظم گفته اند. اما نزد ما این شرط جواز برای امام اعظم نیست، زیرا او می تواند با رجوع به فتوی دیگر علما، بر اساس سخن غیر خود قضاوت کند. پس در مورد قاضی نیز همین گونه است. با این حال، نباید جاهل به احکام تقلید شود، زیرا جاهل به دلیل نادانی خود بیشتر فساد می آورد تا اصلاح، و حتی بدون آگاهی، به ناحق قضاوت می کند.

۶.۱.۲. متخصص بودن قضات در قوانین افغانستان

در قوانین افغانستان که توسط امارت اسلامی تصویب شده است، در اصولنامه حقوقی محاکم چنین ذکر شده است که قاضی را مناسب است در موضوعات احکام فقه بالخاصه فقه حنفی کاملاً عالم و بر قطع دعاوی وارده، و بر تطبیقات احکام و مقررات مقتدر و با خبر باشد (اصولنامه اجراآت محاکمات حقوقی عدلی، ۱۴۳۵ق، ماده ۳). قاضی باید از عرف و عادات مردم باخبر باشد و احوالات مردم را تمیز بتواند (همان اثر، ماده ۴). قاضی را لازم است از اصولنامه هائیکه مربوط به امور عدلیه است کاملاً معلومات داشته باشد. (همان اثر، ماده ۵) در لایحه محاکم امارت اسلامی افغانستان فصل خاصی به تعلیمات تخصصی قضات اختصاص داده شده است که بر اساس مواد این فصل، یک اداره تعلیمی برای ارائه دروس تخصصی قضات پیش بینی شده است (لایحه محاکم

امارت اسلامی، فصل ششم). همچنان در مجله الاحکام در مورد متخصص بودن قضات چنین آمده است که لازم است تا قاضی حکیم، دانشمند، با استقامت، امین، با کرکتر و متین باشد (مجله الاحکام العدلیه، ماده ۱۷۹۲). برای قاضی لازم است که به مسائل فقهی وارد باشد و هم اصول محاکمه را بداند و بر فیصله دعاوی و خصومت با تطبیق مسائل فقهی و اصول محاکمه تسلط کامل داشته باشد (همان اثر، ماده ۱۷۹۳).

۶.۲. تسویه بین الخصمین

۶.۲.۱. تسویه بین الخصمین در شریعت اسلامی

تسویه بین الخصمین در شریعت اسلامی از اصول بنیادین قضاوت به شمار می رود و مقصود از آن، رفتار برابر قاضی با طرفین دعوا در گفتار، رفتار، استماع ادله و صدور حکم است. این اصل برای تحقق عدالت، جلوگیری از ظلم و حفظ حقوق اصحاب دعوا مورد تأکید فقههای اسلامی قرار گرفته است. در این جا چندین دلیل از احادیث نبوی و اقوال علما در تأیید اصل تسویه بین الخصمین مورد ذکر قرار می گیرد تا جایگاه این اصل در فقه اسلامی و اهمیت آن در تحقق عدالت قضایی به روشنی تبیین گردد.

۱- قال رسول الله ﷺ: من ابتلی بالقضاء بین المسلمین، فلیسو بینهم فی المجلس، والاشارة والنظر، ولا یرفع صوته علی أحد الخصمین أكثر من الآخر (الزلیعی، ج ۵ ص ۵۴). ترجمه: پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «کسی که به قضاوت میان مسلمانان مبتلا شد، باید میان آنان در نشستن، اشاره کردن و نگاه کردن مساوات را رعایت کند، و نباید صدای خود را بر یکی از دو طرف دعوی بیشتر از دیگری بلند کند.» و فی کتاب عمر الی أبی موسی الأشعری (اس بین الناس فی وجهک وعدلک مجلسک، حتی لا یطمع شریف فی حیفک، ولا ییأس ضعیف من عدلک. ترجمه: و در نامه عمر رضی الله عنه به ابو موسی اشعری رضی الله عنه آمده است: «در چهره، عدالت، و جایگاه خود در میان مردم مساوات را رعایت کن، تا افراد بلند مرتبه به ستم تو طمع نکنند و افراد ضعیف از عدالت تو ناامید نشوند.» و عن الحسن قال (جاء رجل فنزل علی علی رض فأضافه، فلما قال: انی أرید أن أخاصم، قال له علی رض: تحول، فان النبی ص نهانا أن نضیف الخصم الا و معه خصمه) ترجمه: و از حسن رضی الله عنه روایت شده است که مردی نزد علی رضی الله عنه آمد و مهمان او شد. هنگامی که گفت: «می خواهم دعوی کنم»، علی رضی الله عنه به او گفت: «از اینجا برو، زیرا پیامبر ﷺ ما را نهی کرده است که یکی از طرفین دعوی را مهمان کنیم، مگر اینکه طرف دیگر نیز همراه

او باشد.» عن عبدالله بن الزبیر رضی الله عنه قال: "سنة رسول الله ﷺ أن يجلس الخصمان بين يدي القاضي و في لفظ قضي رسول الله ﷺ أن الخصمين يقعدان بين يدي الحاكم. ترجمه: عبدالله بن زبیر رضی الله عنه گفت: «از سنت‌های رسول خدا ﷺ این است که دو طرف دعوی در مقابل قاضی بنشینند.» در روایت دیگری آمده است: «رسول خدا ﷺ حکم کرد که دو طرف دعوی باید در مقابل حاکم بنشینند.» ينبغي أن يعدل القاضي بين الخصمين في الجلوس والاقبال، فيجلسهما بين يديه، لا عن يمينه و لا عن يساره، و أن يسوي بينهما في النظر ولطلق والاشارة ولخلوة فلا يسار أحدهما او يخلو به، ولا يشير اليه، ولا يلقيه حجة منعاً للتهمة، ولا يضحك في وجه أحدهما، لأنه يجترى عليه، ولا يمازحهما ولا واحداً منهما، لأنه يذهب بمهابة القضاء، ولا يضيف احدهما، ولا يرفع صوته على أحدهما، ولا يكلم احدهما بلغة لا يعرفها الآخر، وإذا تكلم احدهما أسكت لأخر حتى يسمع كلامه، ويفهم، ثم يستنطق الآخر حتى يفهم تماماً رأيه (الزحيلي، ج ۸ ص ۵۹۵۷-۵۹۵۸). ترجمه: قاضی باید بین دو طرف دعوی در نشستن و توجه کردن عدالت را رعایت کند، به این صورت که آن‌ها را مقابل خود بنشاند، نه در سمت راست و نه در سمت چپ خود. همچنین باید در نگاه، سخن گفتن، اشاره کردن و خلوت کردن با آن‌ها مساوات را رعایت کند. قاضی نباید با یکی از طرفین نجوا کند یا با او خلوت کند، به او اشاره کند یا او را در ارائه دلیل راهنمایی کند تا از ایجاد سوءظن جلوگیری شود. قاضی نباید به یکی از طرفین بخندد، زیرا این کار باعث جسارت وی می‌شود. همچنین نباید با آن‌ها یا یکی از آن‌ها شوخی کند، زیرا این کار هیبت قضاوت را از بین می‌برد. قاضی نباید یکی از آن‌ها را مهمان کند، صدایش را بر یکی از آن‌ها بلند کند یا با یکی از آن‌ها به زبانی صحبت کند که طرف دیگر آن را نفهمد. زمانی که یکی از طرفین صحبت می‌کند، باید دیگری را ساکت کند تا سخنان او را بشنود و بفهمد، سپس طرف دیگر را صحبت دهد تا به طور کامل نظر او را نیز بفهمد. ليسو بين الخصمين في دخول عليه، وقيام لهما، واستماع، وطلاقة وجه، وجواب سلام و مجلس والأصح رفع مسلم على ذمی فيه (خطیب الشرینی، ج ۴ ص ۵۳۴). ترجمه: میان دو طرف دعوی در ورود به نزد قاضی، ایستادن برای آن‌ها، گوش دادن به سخنان شان، گشاده‌رویی، پاسخ دادن به سلام، و جای نشستن باید مساوات رعایت شود. نظر صحیح این است که در این موارد مسلمان بر ذمی برتری داده شود. قاضی باید در مجلس قضاء در بین مدعی و مدعی علیه مساوات را رعایت نمایند، جاهای نشستن آنها، طرز صحبت کردن، نوبت صحبت کردن

و دیگر حالات مساوات کامل رعایت کند. بخاطری که رسول الله ص به قاضی همینطور هدایت کرده است (فاطمی، ص ۱۵۷).

۶.۲.۲. تسویه بین الخصمین در قوانین افغانستان

اصل تسویه بین الخصمین (برابری طرفین دعوا) در قوانین افغانستان و اصول بین المللی از ارکان اساسی عدالت قضایی شمرده میشود. در قوانین افغانستان، قاضی مکلف است میان طرفین دعوا در رفتار، استماع، رسیدگی و صدور حکم بدون تبعیض عمل نماید. قضات باید با طرفین دعوی بر مبنای این که تمام افراد جامعه در برابر قانون دارای حقوق مساوی هستند رفتار نمایند و قضات در امور خود هیچ گونه تبعیض نژادی، منطوقی، جنسی و دیگر ملحوظات را در نظر نداشته باشد. این مورد در اعلامیه جهانی حقوق بشر چنین نگاشته است: همه در برابر قانون مساوی هستند و حق دارند بدون تبعیض و بالسویه از حمایت قانون برخوردار شوند (اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۷) در اصولنامه حقوقی محاکم عدلی امارت اسلامی در مورد تسویه بین الخصمین چنین آمده است: قاضی مجبور است همیشه میان متخاصمین در امور متعلقه به قضاء عدل و مساوات را از دست ندهد. (اصولنامه اجراءات حقوقی محاکم عدلی، ماده ۸)؛ برای اینکه عدالت و مساوات به صورت درست تطبیق و عملی گردد. قاضی از قضاوت در موارد ذیل منع شده است: قاضی در باب اصول، فروع، منکوحه، شریک و اجیر خاص خود و برای کسی که امرار حیات وی از نفقه او تامین میشود شرعا از قضاوت ممنوع است. (همان اثر، ماده ۹) همچنان در مجله الاحکام العدلیه در این مورد چنین نگاشته است: قاضی، به عدالت بین طرفین دعوی مامور است، بناء بر وی لازم است که عدالت و مساوات را بین طرفین دعوی در اموری که به مجلس قضاء مربوط است رعایت کند. مانند: اجلاس طرفین دعوی در مجلس و نظر کردن بسوی شان و هم مخاطب ساختن شان اگر چه یکی از ایشان از اشراف و آن دیگری از مردم عادی باشد. (مجله الاحکام العدلیه، ماده ۱۷۹۹) مجله الاحکام بخاطر تطبیق بهتر عدالت قاضی را در بعضی موارد از قضاء منع نموده: باید محکوم له (کسی که حکم به مفاد اوست) از اصول و فروع قاضی و همچنان زوجه، شریک مال قاضی در حالیکه عنقریب در مورد آن حکم صادر میشود، اجیر خاص و کسی که به نفقه قاضی امرار حیات میکند، نباشد. بنابر این قاضی نمی تواند دعوی این اشخاص را استماع نماید و برای ایشان حکم کند. (همان اثر، ماده ۱۸۰۸).

۶.۳. تحریری بودن روند محاکمه

۶.۳.۱. تحریری بودن روند محاکمه در شریعت اسلامی

در شریعت اسلامی، تحریری بودن محکمه به معنای ثبت و ضبط دقیق احکام، شهادت‌ها و اسناد قضایی است. این امر برای جلوگیری از اختلاف، فراموشی یا تحریف حقایق اهمیت دارد و موجب تضمین عدالت می‌شود. ثبت مکتوب دعای و احکام باعث شفافیت، استناد قانونی و حفظ حقوق افراد در آینده می‌گردد و از سوءاستفاده‌ها و ادعاهای بی‌پایه جلوگیری می‌کند. در فقه اسلامی، تأکید فراوان بر نوشتن قراردادهای، شهادت‌ها و احکام قضایی شده است تا عدالت به صورت روشن و مستند اجرا شود. در این جا چندین دلیل از احادیث نبوی و اقوال علما در تأیید اصل تحریری بودن محکمه مورد ذکر قرار می‌گیرد تا جایگاه این اصل در فقه اسلامی و اهمیت آن در تحقق عدالت قضایی به روشنی تبیین گردد. ویتخذ کاتباً مسلماً مکلفاً عدلاً حافظاً عالماً یجلسه حیث یشاهد ما یکتبه ویجعل القمطر مختوماً بین یدیه. ترجمه: و یک کاتب مسلمان، مکلف، عادل، حافظ (امین) و عالم انتخاب کند، او را در جایی بنشانند که بتواند آنچه می‌نویسد مشاهده کند، و جعبه (قلمدان یا وسایل نوشتن) را در حالی که مهر و موم شده است در مقابل او قرار دهد. و جمله ذلک: أنه یستحب للحاکم أن یتخذ کاتباً، لأن النبی ﷺ استکتب زید بن ثابت رضی الله عنه و غیره، ولأن الحاکم تكثر اشغاله ونظره فلا یمکنه تولی الکتابه بنفسه، و ان أمکنه الکتابه بنفسه جاز، والاستنباه فیہ أولى ولا یجوز أن یتنب فی ذلک الا عدلاً، لأن الکتابه موضع أمانة ویستحب أن یمکن فقیهاً ليعرف مواقع الألفاظ التي تتعلق

بها الأحكام ویفرق بین الجائز والواجب وینبغی أن یمکن وافر العقل نزهاً ورعاً لئلا یمتال بالطمع ویكون مسلماً لأن الله تعالی قال (یا ایها الذین آمنوا لا تتخذوا بطانة من دونکم لا یألوکم خبلاً [آل عمران: ۱۱۸]) و قد روی ابا أن أبا موسی الاشعری قدم علی عمر ومعه کاتب نصرانی فأحضر أبو موسی شیاً من مکتوباته عند عمر فاستحسنه قال: قل لکاتبک یجیء ویقرأ کتابه، قال: انه لا یدخل المسجد قال: ولم؟ قال: انه نصرانی فانتهره، عمر وقال: لا تأتمنهم وقد خونهم الله تعالی، لا تقرهم وقد أبعدهم الله، ولا تعزمهم وقد أذلهم الله، ولأن الاسلام من شروط العدالة، و العدالة شرط. (ابن قدامة، ج ۱۳ ص ۴۴۶)، ترجمه: و از جمله این موارد مستحب است که حاکم یک کاتب (نویسنده) بگیرد، زیرا پیامبر ﷺ زید بن ثابت رضی الله عنه و دیگران را برای نوشتن برگزید. همچنین به این دلیل که امور حاکم بسیار زیاد است و خودش نمی‌تواند همه را به تنهایی مدیریت

کند. اگر حاکم بتواند خودش بنویسد، جایز است، اما استنابه (واگذاری به دیگری) در این کار بهتر است. نباید کسی را به این کار گمارد مگر آنکه عادل باشد، زیرا نوشتن جایگاه امانت است. همچنین مستحب است که کاتب فقیه باشد تا به مواردی که به احکام مربوط است آگاه باشد و میان جایز و واجب تفاوت قائل شود. کاتب باید عقل کامل داشته باشد، پاک دامن و با ورع باشد تا با طمع به فساد کشیده نشود و حتماً مسلمان باشد، زیرا خداوند متعال فرموده است: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! محرم اسرار از غیر خودتان نگیرید، زیرا آنها از هیچ فتنه و فساد نسبت به شما کوتاهی نمی‌کنند» (آل عمران: ۱۱۸). همچنان روایت شده که وقتی ابو موسی اشعری رضی الله عنه نزد امیرالمؤمنین عمر رضی الله عنه آمد، با خود یک کاتب نصرانی داشت. او بخشی از نوشته‌های کاتبش را نزد عمر رضی الله عنه آورد و عمر رضی الله عنه آن را پسندید. پس به ابو موسی اشعری رضی الله عنه گفت: به کاتب خود بگو بیاید و نوشته‌اش را بخواند. ابو موسی رضی الله عنه پاسخ داد: او نمی‌تواند وارد مسجد شود. عمر رضی الله عنه گفت: چرا؟ ابو موسی اشعری گفت: زیرا او نصرانی است. پس عمر رضی الله عنه او را سرزنش کرد و گفت: به آنها اعتماد نکنید، زیرا خداوند آنها را خیانت‌کار دانسته است. به آنها نزدیک نشوید، زیرا خداوند آنها را دور ساخته است. به آنها عزت ندهید، زیرا خداوند آنها را خوار کرده است. همچنین اسلام از شروط عدالت است و عدالت شرط این کار.

۶.۴. داشتن ترجمان در جریان محاکمه

۶.۴.۱. داشتن ترجمان در جریان محکمه از نگاه شریعت اسلامی

از نگاه فقه اسلامی، داشتن ترجمان (مترجم) در جریان محکمه یک امر مشروع و در بسیاری موارد ضروری دانسته شده است. اصل اساسی در قضاوت اسلامی، تحقق عدالت، فهم درست دعوا و رفع ابهام است و این مقاصد بدون فهم زبان طرفین به صورت کامل محقق نمی‌شود. در این جا چندین دلیل از احادیث نبوی و اقوال علما در تأیید اصل داشتن ترجمان در جریان محاکمه مورد ذکر قرار می‌گیرد تا جایگاه این اصل در فقه اسلامی و اهمیت آن در تحقق عدالت قضایی به روشنی تبیین گردد.

۱- وان حاکم الیه من لا یعرف لسانه ترجم له من یعرف لسانه، اذا تحاکم الی القاضی العربی أعجمیان أو أعجمی وعربی فلا بد من مترجم عنهما (ابن قدامة، ج ۱۳ ص ۵۱۰). ترجمه: و اگر حاکم با کسی روبرو شود که زبان او را نمی‌داند، باید کسی که زبان او را می‌داند برایش ترجمه کند. اگر دو نفر

غیر عرب یا یک غیر عرب و یک عرب نزد قاضی عرب دعوا کنند، وجود مترجم میان آنها ضروری است. قاضی باید برای خود محرر و مترجم ذکی و امین را مقرر نماید، تا در فیصله های قضاء از تغییر و تحریف جلوگیری شود (فاطمی، ص ۱۵۸).

۶.۴.۲. داشتن ترجمان در جریان محاکمه از نگاه قوانین افغانستان و اصول بین المللی

در قوانین افغانستان و اصول بین المللی، داشتن ترجمان در جریان محاکمه به عنوان یک حق اساسی برای تضمین محاکمه عادلانه شناخته شده است. طرفین دعوی دارای یک سلسله حقوقی اند که محاکم مکلف اند آنرا رعایت کنند. این حقوق شامل مواردی چون داشتن وکیل مدافع یا مشاور حقوقی، داشتن ترجمان در جریان محاکمه و همچنان اگر هر یک از طرفین به حکم محاکمه تحتانی قناعت نداشته باشند می توانند اعتراض خود را به محاکمه فوقانی در مطابقت با احکام قانون تقدیم نمایند (ستانکزی، ۱۳۹۹، ص ۱۳۱) در سطح بین المللی نیز، اسناد معتبر حقوق بشری مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، حق برخورداری از محاکمه عادلانه را تضمین کرده اند. چنانچه در میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی در این مورد چنین آمده است که هر کس متهم به ارتکاب جرمی بشود با تساوی کامل لاقول حق تضمینهای ذیل را خواهد داشت: الف. در اسرع وقت و به تفصیل به زبانی که او بفهمد از نوع و علل اتهامی که به او نسبت داده می شود مطلع شود (میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۱۴، بند ۳).

۶.۵. مساوی بودن افراد در پیشگاه قانون

۶.۵.۱. مساوی بودن افراد در پیشگاه قانون از نظر شریعت اسلامی

تمام مسلمانان به وجود اختلاف شان در ملیت، نژاد، محیط جغرافیوی و موارد دیگر در پیشگاه قوانین اسلام برابرند. شریعت اسلامی مبدأ مساوات را تا آخرین حدی که عقل بشر تصور آنرا کرده میتواند تطبیق می نماید. اسلام نه قیدی را به رسمیت می شناسد و نه استثنایی را؛ بلکه از نظر اسلام مساوات کامل در بین افراد وجود دارد، حتی غیر مسلمین که منحیث اتباع دولت اسلامی اند، در برابر قضاء و دعوای حقوقی بطور کامل با مسلمانان مساوی اند. تا هنوز هیچ قانون وضعی معاصر در اجرای نظریه مساوات در حقوق جزاء به نظام حقوق جزاء اسلام نرسیده است. این قاعده از این نصوص مأخوذ است که الله متعال میفرماید: **يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا ۚ إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ ۚ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ (الحجرات: ۱۳)**. ترجمه: ای مردم ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملت، ملت و قبیله، قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر

شناسایی متقابل حاصل کنید. در حقیقت ارجمند ترین شما نزد خدا پرهیزگار ترین شما است؛ بی تردید خداوند دانای آگاه است. رسول الله (ص) میفرماید: انما اهلك الذين قبلکم أنهم کانو اذا سرق فيهم الشريف تركوه، و اذا سرق فيهم الضعيف أقامو عليه الحد، و ایم الله، لو أن فاطمة بنت محمد سرقت لقطعت يدها. (البخاری، ۲۰۰۲، حدیث نمبر ۶۷۸۸). ترجمه: همانا کسانی که پیش از شما بودند هلاک شدند، به این سبب که هرگاه فردی شریف و صاحب مقام در میان آنان دزدی می کرد، او را رها می کردند، و هرگاه فردی ضعیف دزدی می کرد، حد را بر او جاری می ساختند. به خدا سوگند، اگر فاطمه دختر محمد هم دزدی می کرد، دستش را قطع می کردم. اسلام در تنفیذ قانون بین رؤسای دولت و سایر افراد ملت مساوات کامل را حکم میکند (نذیر، ص ۳۲-۳۸).

۶.۶. حق داشتن وکیل مدافع

۶.۶.۱. حق داشتن وکیل مدافع در شریعت اسلامی

در اسلام، حق دفاع از خود و بهره مندی از وکیل یا نماینده عادل، ریشه در اصل عدالت و کرامت انسانی دارد. قرآن و سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اجماع امت بر لزوم شنیدن سخن طرفین و دفاع منصفانه تأکید کرده اند. از این رو، داشتن وکیل مدافع وسیله ای مشروع برای احقاق حق و جلوگیری از ظلم در نظام قضایی اسلامی است. در این جا چند دلیل برای روشن شدن بهتر موضوع ذکر میکنیم.

۱- تجوز الوكالة بالخصومة فی سائر الحقوق لما قدمنا من الحاجة اذ ليس كل أحد يهتدى الى وجوه الخصومات وقد صح أن علياً رضي الله عنه وكل فيها عقيلاً و بعد ما أسن وكل عبدالله بن جعفر رضي الله عنه: وكذا بايقاؤها واستيفائها الا في الحدود والقصاص فان الوكالة لا تصح باستيفائها مع غيبة الموكل عن المجلس. لأنها تندريء بالشبهات وشبهة العفو ثابتة حال غيبة الموكل بل هو الظاهر للندب الشرعي بخلاف غيبة الشاهد لأن الظاهر عدم الرجوع، وبخلاف حالة الحضرة الانتفاء هذه الشبهة، و ليس كل أحد يحسن الاستيفاء، فلو منع عنه ينسد باب الاستيفاء أصلاً وهذا الذي ذكرناه قول أبي حنيفة رحمه الله (المرغيناني، ص ۱۳۶). ترجمه: وکالت در دعوا در تمام حقوق جایز است، به دلیل نیازمندی که بیان شد؛ زیرا همه افراد به شیوه های اقامه دعوا آگاه نیستند. روایت شده است که علی (رضی الله عنه) در این امور عقیل را وکیل کرد، و پس از اینکه سنش بالا رفت، عبدالله بن جعفر (رضی الله عنه) را وکیل نمود. وکالت در ادای حق و دریافت آن نیز جایز است، جز در حدود و قصاص، زیرا وکالت در دریافت آن در صورت غیبت موکل از مجلس صحیح نیست. دلیل آن این است که حدود با شبهات دفع می شوند و در صورت غیبت موکل، احتمال عفو وجود دارد

که خود یک شبهه است، بلکه این احتمال به دلیل تأکیدات شرعی در خصوص عفو، قوی تر است. اما در مورد غیبت شاهد چنین احتمالی نیست، زیرا ظاهر امر نشان دهنده عدم رجوع است. همچنین در صورتی که مؤکل حاضر باشد، این شبهه وجود ندارد و از آنجا که همه افراد توانایی دریافت حق را ندارند، اگر این امر ممنوع شود، باب دریافت حق کاملاً بسته می شود. این نکاتی که ذکر شد، قول امام ابوحنیفه (رحمة الله علیه) است.

۶.۶.۲ حق داشتن وکیل مدافع از نظر قوانین افغانستان و اصول بین المللی

حق، داشتن وکیل مدافع از دیدگاه قوانین افغانستان و اصول بین المللی، یکی از تضمین های اساسی محاکمه عادلانه به شمار می رود. قوانین افغانستان حق دسترسی متهم به وکیل را در تمام مراحل تحقیق و محاکمه به رسمیت شناخته اند. همچنین اسناد معتبر بین المللی حقوق بشر بر این حق تأکید کرده و آن را لازمه حفظ عدالت، کرامت انسانی و جلوگیری از سوء استفاده قضایی می دانند. چنانچه در قانون اساسی سال ۱۳۸۲ افغانستان در این مورد چنین میاید: هر شخص می تواند برای دفع اتهام به مجرد گرفتاری و یا برای اثبات حق خود، وکیل مدافع تعیین کند. همچنان در مورد وکالت برای افراد بی بضاعت چنین مینویسد: دولت در قضایای جنایی برای متهم بی بضاعت وکیل مدافع تعیین می نماید. (قانون اساسی افغانستان، ۱۳۸۲، ماده ۳۱) در اعلامیه جهانی حقوق بشر در این مورد چنین میاید: هر کس که به جرمی متهم شده باشد بی گناه محسوب خواهد شد تا وقتی که در جریان یک دعوای عمومی که در آن کلیه تضمینهای لازم برای دفاع او تأمین شده تقصیر او قانوناً محرز گردد (اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۱۱ بند ۱) همچنان اعلامیه اسلامی حقوق بشر در این مورد چنین می نویسد: متهم بی گناه است تا اینکه محکومیت اش از راه محاکمه عادلانه یی که همه تضمینها برای دفاع او فراهم باشد، ثابت گردد. (اعلامیه اسلامی حقوق بشر، ۱۹۹۰، ماده ۱۹ بند ۵) در اصولنامه اداری محاکم عدلی امارت اسلامی در مورد حق داشتن وکیل مدافع چنین ذکر شده است: وکالت در هر محکمه تا زمان صدور فیصله همان محکمه اعتبار دارد. (اصولنامه اداری محاکم عدلی، ماده ۶۴) از مفاد این مواد معلوم میشود که طرفین دعوی حق دارد وکیل مدافع برای دفاع از حق خویش تعیین نماید. مجلة الاحکام العدلیه نیز از حق وکالت یاد اوری کرده: وکالت تفویض صلاحیت شخص است به دیگری و قایم مقام ساختن وی است بجای خود که تفویض صلاحیت را (موکل) و شخصیکه به او تفویض صلاحیت شده است (وکیل) و موضوع تفویض شده را (موکل به) گویند. (مجلة الاحکام العدلیه، ماده ۱۴۴۹).

۷. مناقشه

یافته‌های این تحقیق به وضوح تبیین می‌سازند که موازین محاکمه عادلانه، اصولی فرادستی و بنیادین هستند که ریشه در کرامت انسانی و تأمین عدالت موضوعه دارند. در تحلیل و تقابل میان دکتورین فقه اسلامی و قوانین وضعی افغانستان، همسویی ساختاری شگرفی در اصول رکن محاکمه عادلانه مشاهده می‌شود. این همسویی، برخلاف دیدگاه‌هایی که نظام‌های حقوقی معاصر را کاملاً مجزا از فقه می‌پندارند، نشان‌دهنده یک پیوند وثیق ماهوی است؛ چرا که متعامل و سرچشمه‌ی اصلی تدوین قوانین در افغانستان، شریعت اسلامی بوده و این امر مانع از بروز هرگونه تضاد اصولی میان قوانین ملی و فقه گردیده است.

در اسناد تقنینی افغانستان و متون فقهی، شاخص‌هایی چون استقلال قضاء، تخصص‌گرایی قضات و علنی بودن محاکمه به عنوان تضمین‌کننده‌های سلامت محاکمه شناخته شده‌اند. مناقشه در باب الزامی (جبری) یا اختیاری بودن این موازین، ما را به این حقیقت حقوقی رهنمون می‌سازد که این قواعد واجد صبغه تکلیفی و آمرانه هستند. به بیانی دیگر، رعایت حقوق متخاصمین (نظیر حق داشتن وکیل مدافع یا ترجمان) و حفظ تساوی بین الخصمین از سوی قاضی، یک تمایل یا ترجیح اختیاری نیست، بلکه تکلیفی شرعی و قانونی است که تخطی از آن، مشروعیت حکم صادره را مخدوش می‌سازد. بنا بر این، میان خطوط کلی و روح موازین محاکمه عادلانه در فقه اسلامی و قوانین نافذه کشور، مطابقت و همسویی کامل برقرار است و نظام قضایی معاصر می‌تواند با تکیه بر این ظرفیت‌های غنی فقهی، پایه‌های محاکمه عادلانه را بیش از پیش تحکیم بخشد.

۸. نتیجه‌گیری

مطالعه و تبیین موازین محاکمه عادلانه در فقه اسلامی و قوانین ملی افغانستان نشان می‌دهد که تحقق عدالت قضایی، از اصول بنیادین و غیرقابل انکار در هر دو حوزه حقوقی است. این تحقیق با هدف شناخت این موازین و ارزیابی مقایسه‌ای آن‌ها به سرانجام رسید و یافته‌های آن به طور مشخص به سؤالات و فرضیه‌های تحقیق پاسخ داده است. در پاسخ به سؤال و فرضیه اصلی تحقیق، مشخص گردید که موازین محاکمه عادلانه در فقه و قوانین نافذه افغانستان شامل شاخص‌های کلیدی چون قانونی بودن محکمه، استقلال قضاء، تخصصی بودن قضات، علنی بودن اصول محاکمه، برخورد مساویانه با طرفین دعوا و رعایت همه‌جانبه‌ی حقوق متخاصمین (به ویژه حق داشتن وکیل مدافع و ترجمان) می‌باشد؛ لذا فرضیه اصلی تحقیق به صورت کامل تأیید می‌گردد. در

راستای اهداف فرعی و ارزیابی تفاوت‌ها و شباهت‌ها، یافته‌های تحقیق تأیید می‌کند که شریعت اسلامی منبع اصلی و بنیادین قوانین افغانستان است؛ از این رو، میان اصول اساسی و خطوط کلی موازین محاکمه عادلانه در قوانین ملی و فقه اسلامی هیچ‌گونه تفاوت ماهوی و تضاد وجود ندارد و فرضیه دوم تحقیق مبنی بر همسویی کامل موازین، اثبات می‌گردد. با این حال، تفاوت‌های جزئی صرفاً در نحوه دسته‌بندی شکلی، ساختار اداری و ابزارهای فرآیند تحریری بودن محاکم در قوانین معاصر دیده می‌شود که آسیب جدی به محتوای مشترک آن‌ها وارد نمی‌سازد. هم‌چنین، در خصوص الزامی یا اختیاری بودن این اصول، تحقیق به این نتیجه‌ی قاطع دست یافت که تطبیق موازین محاکمه عادلانه بر اساس احکام صریح شریعت اسلامی و نص قوانین نافذه کشور، یک امر کاملاً جبری و تکلیفی است و سیستم قضایی یا قضات به هیچ عنوان اختیار ترک یا چشم‌پوشی از این موازین را ندارند؛ مسئله‌ای که فرضیه سوم تحقیق را نیز به درستی ثابت می‌سازد. در نهایت، بهره‌گیری کامل از ظرفیت‌های فقهی و انطباق اصولی آن با سیستم حقوقی معاصر، بستر ساز ارتقای عدالت، کاهش تبعیض و تضمین حقوق شهروندان خواهد بود.

منابع و مأخذ

قرآنکریم

- البخاری، محمد بن اسماعیل. (۲۰۰۲). صحیح البخاری. دار ابن کثیر.
- سلیمان بن الأشعث، ابو داود. سنن ابی داود. محقق: محمد محی الدین عبدالحمید.
- ابن ماجه القزوینی، ابی عبدالله محمد بن یزید. (۲۰۱۴). سنن ابن ماجه. قاهره: دارالتأصیل.
- ابن حجرالعسقلانی، امام الحافظ احمد. بلوغ المرام من ادلة الاحکام.
- ابن قدامة المقدسی، شمس الدین عبدالرحمان. (۱۴۲۵). المغنی. مصر: دارالحديث قاهره.
- استادان دیپارتمنت ثقافت اسلامی. (۱۴۰۲). نظام سیاسی اسلام. کابل: انتشارات سید حسیب الله.
- الزحیلی، وهبة. (۱۴۲۵). الفقه الاسلامی و ادلته. دمشق: دارالفکر.
- الزیلعی، جمال الدین عبدالله. نصب الراية فی تخریج احادیث الهدایه. المكتبة الاسلامیه.
- الخطیب الشربینی، شمس الدین محمد بن. (۲۰۰۴). مغنی المحتاج. بیروت: دارالمعرفة.
- السید غانم، محمد عبدالنبی. (۲۰۱۷). قانون المرافعات المدنية والتجارة. قاهره: دارالنهضة العربیه.
- الافریقی، محمد بن مکرم. (۱۱۱۹). لسان العرب. قاهره: دارالمعارف.
- الکاسانی، علاءالدین الحنفی. بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع. بیروت: موسسه التاريخ العربی.

المرغینانی، برهان الدین. الهدایة. بیروت: دارالحیاء الثلاث العربی.

ستانکزى، نصرالله. (۱۳۹۹). مبادئ حقوق. کابل: انتشارات سعید.

شاداب، عنایت الله. (۱۳۹۶). اساسات حقوق اسلام. کابل: انتشارات نوی مستقبل.

علی بن محمد، بن علی. التعريفات للجرجاني. انتشارات: دارالديان للتراث.

فاطمی، سید احمد. (۱۴۰۲). داسلام سیاسى نظام. ننگرهار: میهن خپرندویه ټولنه.

نذیر، دادمحمد. (۱۴۰۰). حقوق جزای عمومی اسلام. کابل: انتشارات حامد رسالت.

قوانین

مجلة الاحكام العدلية.

دافغانستان د اسلامى امارت د عدلى حقوقى محاکمو د اجرا آتو اصولنامه، ۱۴۳۵هـ.ق

د افغانستان د اسلامى امارت د عدلى محاکموادارى اصولنامه، ۱۴۳۵هـ.ق

قانون تشکیل و صلاحیت قوه قضائیه.

لائحه محاکم امارت اسلامى.

اعلامیه جهانی حقوق بشر، ۱۹۴۸.

اعلامیه اسلامى حقوق بشر.

میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسى، ۱۹۶۶.

کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی های اساسی، ۱۹۵۰.

سایت انترنتی

<https://www.merriam-webster.com/legal/fair%20trial>

(last

viewed:2026/01/0